

## پیامدهای سیاسی حمله بر هتل کانتیننتال



چند روز قبل شماری از مهاجمان مسلح وارد هتل کانتیننتال در کابل شدند و به 16 ساعت درگیری با نیروهای امنیتی افغان پرداختند. این حمله باعث کشته شدن شمار زیادی از غیرنظامیان و تعدادی از اتباع خارجی گردید. مسئولیت این حمله را گروه طالبان به دوش گرفت؛ گرچه دولت افغانستان ادعا دارد که این حمله از سوی شبکه‌ی حقانی که در بیرون از مرز کشور پناهگاه دارد، سازماندهی شده است.

هرچند، بعضی از شواهد و قراین نمایانگر این است که امریکایی‌ها از این حادثه خبر داشتند و همچنان گفته می‌شود بصورت غیر مستقیم نیز در این حمله دست داشتند یا این‌که زمینه را برای اجرای این حمله مساعد ساخته بودند. چنانچه، پیش از این حادثه سفارت امریکا در اعلامیه‌ی هشدار داده بود که تهدید جدی متوجه هتل‌های کابل است. در ضمن، مجله اشپیگل در گزارشی به نقل از یک شاهد عینی نوشته که سفیر جدید امریکا در کابل درست لحظاتی پیش از حمله مهاجمان انتحاری این هتل را ترک کرده بود. در کنار این، مسئولیت امنیتی این هتل نزدیک به سه هفته پیش به یک شرکت امنیتی خصوصی بنام کابل - بلخ واگذار گردیده بود. شرکتی که شماری از کارشناسان افغان آن را شاخه‌ی از شرکت بدنام امنیتی «بلک واتر» می‌دانند و رییس کمپنی امنیتی کابل - بلخ سال‌ها در شرکت بلک واتر ایفای وظیفه می‌نموده و یکی از مقامات بلند رتبه دولت نیز در این شرکت شریک می‌باشد.

البته داخل شدن در موضوعات جزئی و فرعی همچو: این حادثه چگونه اتفاق افتاد، مهاجمان چطور وارد هتل شدند، چه ضعف‌های امنیتی وجود داشت و مسئولیت امنیتی چگونه به یک شرکت امنیتی خصوصی واگذار شده است؟ مسأله مورد بحث ما نیست و درگیر شدن در همچو مسایل فرعی نه تنها این‌که فایده، بلکه ما را از دیدن تصویر بزرگ و پیامدهای سیاسی این حادثه غافل ساخته می‌سازد.

درک این قاعده عمومی بسیار مهم و اساسی است که استعمار از حوادث بمیان آمده چه این‌که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در آن دخیل باشد و یا این‌که هیچ دخیل نباشد به نفع خود استفاده سیاسی می‌کند و تلاش می‌ورزد تا فضا را به نفع سیاست‌های خود بچرخاند.

چنانچه پس از این حمله، رسانه‌های امریکایی به صورت گسترده این حمله را پوشش دادند و به نحوی به مردم امریکا گوشزد کردند که با وجود شانزده سال حضور امریکا در افغانستان و مصرف یک تریلیون دالر و از دست دادن بیش از دو هزار عسکر ما هنوز در بن بست جنگ افغانستان قرار داریم و مخالفین نظام به سادگی می‌توانند نقاط بسیار مهم و استراتژیکی را در قلب پایتخت افغانستان در تیررس حملات شان قرار دهند. پس بدین جهت، حضور نظامی و سیاسی ما در افغانستان بسیار مهم و ارزنده و در عین حال ما ضرورت داریم تا با راه اندازی عملیات های هوایی و زمینی مخالفین نظام افغانستان را سرکوب کنیم. یعنی به نحوی بخاطر قناعت افکار عامه در سطح امریکا این حمله را پرداز گسترده دادند. چون اکثریت مردم امریکا مخالف جنگ در افغانستان هستند و دید منفی نسبت به آن دارند. اما امریکایی‌ها از همچو حادثه بخاطر قناعت افکار عامه ی شان بهره برداری می کنند و فضا را طوری جهت می دهند که ما باید به جنگ افغانستان تداوم بدهیم چون در غیر این صورت ما باید در جاده‌های امریکا و اروپا بر علیه آنان ایستادگی کنیم.

در ضمن، بهره‌برداری دیگری که امریکا از این حادثه نمود این بود که این حادثه را منحنیث یک هرم فشار و تهدید بالای پاکستان بکار برد. چون در این اواخر از تلاش‌های که امریکا به هدف تهدید پاکستان برای انداخته در صدد این است که به نحوی پاکستان را از داخل تضعیف نموده، گروه طالبان را به میز مذاکره بکشاند و در ضمن از گسترش روز افزون نفوذ چین در منطقه به خصوص پاکستان جلوگیری کند.

بدین لحاظ، قصر سفید و وزارت خارجه امریکا واکنش شدیدی نسبت به این حمله و پناهگاه‌های که همچو حملات از آن طرح‌ریزی می‌گردد نشان دادند. قصر سفید گفت: «همچو حملات بر غیر نظامیان، ما را در حمایت از شرکای افغان ما، مصمم‌تر می‌سازد. ما از پاکستان می‌خواهیم که فوراً رهبران طالبان را دستگیر و یا اخراج کنند و مانع آن شوند که این گروه از خاک پاکستان برای حمایت از حملات شان، بهره برداری کنند.»

به تعقیب این حادثه، امریکا از پاکستان درخواست کرد اجازه دهد تدارکات ناتو از طریق بندر گوادر به افغانستان انتقال پیدا کند. این درخواست امریکا در حالی مطرح می‌شود که بندرگوادر تا سال ۲۰۴۸ میلادی در اختیار چین قرار دارد و این کشور در حال اجرای دهلیز اقتصادی خود در این منطقه می‌باشد. بندر گوادر کم مصرفترین و کوتاه‌ترین مسیر انتقال کالاهای تجاری از طریق بحر به افغانستان است.

مسأله دیگری که در این حمله وضاحت داشت این بود که گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفت و تعدادی از طرفداران شان به نحوی این حمله را در تقابل و مقایسه با حملات داعش قرار دادند و اذعان می‌کردند که طالبان هنوز منحنیث یک گروه توانایی انجام حمله‌های پیچیده و خطرناک را دارد که یکی از نمونه‌های آن حمله بر هتل کانتیننتال است. یعنی توسط این حمله طالبان به نحوی قدرت نمایی

نمودند که هنوز در صحنه جنگ افغانستان حضور فعال دارند. اما دولت افغانستان این حمله را کار شبکه‌ی حقانی دانست. چون دید دولت افغانستان این است که با ربط دادن این حمله به شبکه‌ی حقانی که مرکز آن در پاکستان است، بتواند این کشور را زیر فشار قرار دهد.

در گیرودار همچو حوادث خونین درک این موضوع برای مردم ما و گروه‌های که در این سرزمین به فعالیت می‌پردازند این است که بسا اوقات استعمار امریکایی از فعالیت غیر سیاسی تعدادی از گروه‌ها طوری استفاده می‌کند که بتواند به تداوم حضور خود بپردازد و در نهایت به اهداف استراتژیکی خود در منطقه نایل گردد. پس لازم است تا گروه‌های ذیدخل در قضیه افغانستان هوشیاری لازم سیاسی را به خرج داده و به تمام برنامه‌های امریکایی «نه» گفته و با مبارزه فکری و سیاسی برای حاکم ساختن برنامه‌ها و ارزش‌های اسلامی تلاش همه جانبه نمایند، و از انجام فعالیت‌های پرهیزند که استعمار از آن بهره‌برداری سیاسی و نظامی می‌کند.

**عمرخلیل بلخی**